مطالب

[امام جواد (ع) 2](#_Toc428290983)

[تاریخ ولادت و شهادت امام جواد (ع) 2](#_Toc428290984)

[محل ولادت و شهادت امام جواد (ع) 2](#_Toc428290985)

[مادر امام جواد (ع) 3](#_Toc428290986)

[فرزندان امام جواد (ع) 3](#_Toc428290987)

[ویژگی های دوره امامت امام جواد (ع) 3](#_Toc428290988)

[آشنایی با شخصیت علی بن جعفر 6](#_Toc428290989)

[نمونه ای از فرزندان امام جواد (ع) 7](#_Toc428290990)

[روضه 7](#_Toc428290991)

[مقام معلم 8](#_Toc428290992)

[معرفی شهید مطهری 9](#_Toc428290993)

[پیام هفته معلم 10](#_Toc428290994)

[دعا 11](#_Toc428290995)

امام جواد ـ شخصیت شناسی ـ شهید مطهری

نماز جمعه شهرستان میبد حاج آقای اعرافی (8/2/74)

خطبه اول

**«بسم الله الرحمن الرحیم و صلی الله علی سیدنا محمد و آ له الاطیبین الاطهرین سیما بقیه‌الله فی الارضین»**

**«ونستغفره و نستهدی و نؤمن به و نتوكل علیه و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا و حبیب قلوبنا و طبیب نفوسنا...»**

همه شما برادران و خواهران گرامی و خودم را به تقوای الهی و ذكر و یاد او و توجه به نعمتهای او و صبربر سختی ها و اطاعت او و دوری از گناه سفارش و دعوت می كنم و از او می خواهیم كه به همه ما توفیق بندگی خالصانه خودش و عبودیت و اطاعت خودش را عنایت بفرماید.

## امام جواد (ع)

با توجه به این كه در روز آخر ماه ذی القعده بنابر نظر مشهور روز شهادت نهمین پیشوای معصوم ما حضرت امام محمد تقی امام جواد (ع) است، در این خطبه چند جمله و كلمه ای درباره شخصیت امام جواد (ع) عرض خواهم كرد، تقدیم به ساحت مقدس جد بزرگوارش و ائمه طاهرین و آباء طیبین و طاهرینش و خود این امام بزرگوار امام نهم حضرت امام جواد (علیه السلام).

### تاریخ ولادت و شهادت امام جواد (ع)

همان طور كه رسم ما در خطبه ها وقتی كه درباره شخصیت یكی از ائمه معصومین یا بزرگان صحبت می شود، رسم این است كه ابتدا یك بیوگرافی و مشخصات اولیه آن امام را عرض می كنیم و بعد هم به بعضی از نقاطی كه مربوط به زندگی آن امام هست، اشاره می كنیم. در باب تولد امام جواد (ع) یك قول این است كه از خصوصیات امام جواد (ع) این است كه در سال تولدشان و سال شهادتشان تا آنجایی كه من در كتابهایی مثل بحار و بعضی كتب دیگر دیدم ، اختلافی نیست. در بعضی از ائمه سال تولد و سال شهادت هم مورد اختلاف است؛ اما در مورد امام جواد (ع) سال تولدشان سال 195 هجری و سال شهادتشان هم 220 هجری است. در سال تولد این امام بزرگوار امام نهم و سال شهادتشان اختلاف نیست. تا آنجا كه منابع نشان می دهد اتفاق نظر است که سال 195 تولد یافتند و در 220 به شهادت رسیدند؛ اما در مورد ماه و روز تولدشان باز مقداری اختلاف است. در مورد تولدشان آن طور كه از كافی نقل شده مرحوم كلینی و بزرگان دیگر هم گفته اند و فرموده اند كه در ماه رمضان متولد شده اند، حال یا شب پانزدهم یا شب نوزدهم، این یك نظر است كه به مرحوم كلینی نسبت داده شده كه شب 15 یا 19 ماه مبارك رمضان سال 195 هجری متولد شدند و نظر دیگر هم این است كه در دهم ماه رجب 195 هجری تولد این امام بزرگوار است كه بعضی هم این قول دوم را قبول كردند، بنابراین در تولد ایشان بین ماه رمضان و رجب اختلاف هست. در مورد شهادتشان باز همان طور كه اشاره شد 220 هجری بوده؛ منتها در روزش باز مقداری اختلاف است. یك قول كه شاید مشهورتر باشد و این طور كه یادم می آید مرحوم حاج شیخ عباس قمی (رحمه الله علیه) در منتها الآمال می فرمایند، الآن من دقیق یادم نیست اینطور به ذهنم می آید كه ایشان می فرمایند: آخر ذی القعده، این یك نظر است، یك نظر هم این است كه در ذی الحجه بوده، حال ششم یا پنجم آخر ذی القعده و ششم یا پنجم ذی الحجه، این از نظر تاریخ تولد و تاریخ شهادت حضرت است كه از نظر سالش 195 و 220 است و از نظر روز و ماهش اختلافی هست كه به آن اشاره شد. تولدشان یا در ماه رمضان بوده یا در رجب، شهادتشان یا آخر ذی القده بوده یا این كه پنجم یا ششم ذی الحجه بوده، البته از نظر زمانی آخر ذی القعده به دلیل این كه یك روز آمد جلو معلوم نیست كه شنبه باشد یا یكشنبه باشد؛ چون معلوم نیست كه ماه 29 روز باشد یا 30 روز باشد، مردد بین این دو روز است، به هر حال یك نظر 5 یا 6 ذی الحجه است؛ ولی فكر می كنم ظاهراً این كه آخر ذی القعده باشد،قول قوی تر باشد. این از نظر سال و تاریخ تولد امام نهم (ع) و تاریخ شهادتشان به اقوالی كه در این زمینه است.

### محل ولادت و شهادت امام جواد (ع)

از نظر مكان شهادتشان هم ظاهراً در بغداد بوده؛ یعنی مسلماً در بغداد واقع شده، ایشان در زمان معتصم به شهادت رسیدند. یك قولی كسی گفته است که در زمان واثق كه بعد از معتصم به خلافت رسید بوده، حضرت به شهادت رسیدند. آن قول را مرحوم علامه مجلسی رد می كنند و با تاریخ مناسبت و تطابق ندارد؛ بنابراین شهادتشان در آخر ذی القعده سال 220 هجری و در بغداد و در زمان خلیفه عباسی معتصم بوده كه او هم ایشان را به شهادت رسانده، این خصوصیات تولد ایشان از نظر زمان و مكان تولدشان است كه اشاره ای به اقوالش شد كه در ذهنمان انشاءالله باشد، مخصوصاً جوانترها باید آشنا باشند با زندگی اولیای الهی و آن هم ائمه معصومین كه حداقل ما جوانهایمان و بچه هایمان باید بدانند تا آنجایی كه امكان دارد آن اقوال مشهور را حداقل بدانند، زمان تولد ائمه معصومین و زمان شهادتشان و خصوصیات دیگری كه هر چه بیشتر باید اطلاعات نسل جوان ما در مورد اهل بیت و ائمه معصومین(ع) بیشتر بشود.

### مادر امام جواد (ع)

عرض كنم كه گفته شده كه مادر ایشان از همان خاندان ماهیه زن پیغمبر از آن قبیله ای است كه مادر حضرت ابراهیم فرزند پیغمبر اكرم(ص) هم از آن قبیله بود و اسامی هم برایش نقل شده، سبیكه یا خیزران كه زن بسیار خوبی بود با این که ایشان هم مجبور شدند، حالا ظاهراً اجبار بود یا هر چه بود یك خانم دیگری با ایشان زندگی کند که یكی از زنهای ایشان هم دختر مأمون ام فضل است، همان وقتی كه حضرت امام رضا پدر، بزرگوارشان آمده بودند به خراسان، مأمون دخترش را داد به امام جواد (ع)، منتها امام هادی و فرزندان حضرت از دختر مأمون نیست؛ چون مادر ولی خدا و امام معصوم هم باید پاك و از خاندان پاك باشد معمولاً در مادرهای اهل بیت و ائمه معصومین (ع) هم ولو این كه به ظاهر كنیز هم بودند؛ ولی در عین حال از خاندان و خانواده های پاك و برجسته بودند و دختر مأمون این شایستگی را نداشت كه امام از او متولد بشود. ظاهراً اصلاً از امام جواد (ع) اولاد دار نشد و اولاد امام جواد (ع)، امام هادی و چند تا دیگر از اولادی كه داشتند از زنهای دیگر بود. این خصوصیات بیوگرافی شخصی ایشان هست.

### فرزندان امام جواد (ع)

فرزندان پسرشان هم دو قول است بین دو یا چهار بوده، مسلمش یكی امام هادی، امام دهم (ع) است و یكی موسی مبرقع است كه در قم مدفون است و دو تا دیگر هم بعضی از نقلها دارد كه خیلی شاید قوی نباشد. دختران ایشان هم به نقل معتبرتر ظاهراً همان چهار تاست كه فاطمه و خدیجه و ام كلثوم و حكیمه كه حكیمه دختر ایشان بوده و همین حكیمه است كه در زمان امام جواد، برای تولد قابله حضرت نرگس خاتون در وقت تولد امام عصر(عج) بود، همین حكیمه دختر امام جواد و عمه امام زمان می شود كه قابله ایشان بود و بعد هم اشاره می كنند كه این حكیمه یك زن بسیار بزرگی بود و از نظر علمی و مقامات معنوی یك زن بسیار برجسته ای بود.

### ویژگی های دوره امامت امام جواد (ع)

این دوره در زندگی امام جواد(ع) با توجه به این مقدمه ای كه عرض كردم یك ویژگیهایی در زندگی مبارك و نورانی امام جواد هست كه با عمده ائمه معصومین دیگر فرق دارد، به بعضی از این خصوصیات اشاره می كنم؛ یكی از خصوصیات امامت امام جواد، امام نهم که امام تقی و جواد این دو تا لقب مشهور ایشان هست و القاب دیگری هم دارند منتجب و چند لقب دیگر دارند. اسمشان همان محمد بن علی و لقب مشهورشان تقی و جواد است. القاب دیگری هم برایشان ذكر شده و مشهور به ابن الرضا هم بودند. ابن الرضا در آن زمان وقتی كه مطلق گفته می شد منصرف بود به ایشان و متعین بود در امام جواد (ع).

#### امامت در هفت سالگی

در زندگی و دوره امامت ایشان اولین نكته مهمی كه وجود دارد و ما هم باید متوجهش باشیم، این است كه ایشان در سن هفت سالگی به امامت رسیدند و حتی چند سال قبلش كه امام رضا ثامن الحجج(ع) گاهی اصحاب خدمتشان می رسیدند، تردید داشتند كه بالاخره بعد از امام رضا، بناست امام چه کسی باشد؟، ایشان فرزند پسر نداشتند و امام رضا هم چند بار در همان سالهای آخر می فرمودند كه آن كسی كه بعد از من خلافت می رسد و امامت و ولایت را به عهده خواهد گرفت، متولد خواهد شد. در هر حال خصوصیت امامت ایشان است كه در هفت سالگی بود و همین هم گاهی موجب شك و شبهه هایی می شد و از آن طرف هم از ایشان معجزاتی پیدا می شد كه شبهه ها را حذف می كرد و گاهی هم به خود ائمه یا خود ایشان اعتراض هم می شد كه مگر می شود قبل از سن بلوغ كسی به امامت برسد؟ و جواب می دادند: بلی می شود كه من این را توضیح می دهم. ایشان در سن هفت سالگی به امامت رسیدند و هنوز كودكی بودند كه مقام والای امامت به ایشان منتقل شد و در چند نقل با نقل های مختلف دارد؛ ولی فی الجمله این است كه می گویند: ایشان در مدینه بودند و امام رضا در خراسان بودند كه امام رضا به شهادت رسیدند. از ایشان چند راوی نقل كردند كه ایشان می فرماید: همین كه امام رضا به شهادت رسیدند، با آن فاصله زیاد از شهادت پدرشان خبر دادند و گفتند: در خودم یك عظمتی را احساس كردم، همین طور هم هست كه آن بار سنگین ولایت و امامت كه وقتی به امام جدیدی منتقل می شود، این یك امانت بزرگ الهی است و امام در خودش یك احساس یك تكلیف بزرگ و یك نورانیت و یك معنویت خاصی احساس می كند، این احساس را امام جواد در لحظه شهادت امام رضا داشتند و چند راوی هم این قضیه را نقل كردند.

#### استدلال بر امامت در هفت سالگی

اما در مورد امامت ایشان در دوره كودكی دو نوع جواب به این مسئله داده شده و در روایات هم هست؛ یك جوابش نقضی است و این كه امامت در دوره كودكی اشكالی ندارد، گاهی اهل تسنن یا مغرضانی بودند كه مسلمان هم بودند؛ اما اعتقاد به تشیع و ولایت نداشتند و شبهه ایجاد می كردند كه چطور در دوره كودكی كسی به امامت و ولایت برسد، این جاست كه خود ائمه هم در روایات این را جواب دادند. من هم اشاره ای به آن می كنم، معمولاً ائمه معصومین استناد می كردند در این كه اشكالی ندارد كه كسی در دوره كودكی به ولایت، امامت و مقامات عالیه الهیه برسد و به خود قرآن كریم استناد می كردند و دو نمونه صریح در قرآن كریم كه هر دو نمونه در سوره مریم در قرآن كریم نقل شده؛ یك نمونه حضرت یحیی است و یكی هم نمونه حضرت عیسی است که این دو پیامبری بودند كه امانت نبوت و رسالت الهی در دوره كودكی و حتی در سنین پایین تر از سن 7 سالگی از ناحیه خدا به آنها تفویض شد و به آنها وحی شد، هر دوی این نمونه ها در سوره مریم هست؛ یكی در آیه 12 هست؛ یكی هم آیه 25 و 26 این سوره است كه به دو آیه اش اشاره می كنم. در آیه دوازدهم از سوره مریم در مورد حضرت یحیی اینطور می خوانیم در قرآن كریم كه می فرماید كه: **«يا يَحْيى‏ خُذِ الْكِتابَ بِقُوَّةٍ وَ آتَيْناهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا»[[1]](#footnote-1)** ما به یحیی آن پیامبر بزرگ الهی خطاب كردیم كه كتاب را و دستور الهی را با تمام قدرت و توان بگیر این تعبیری است كه در قرآن آمده این كتاب خدا را و فرمان وحی را با تمام توان و قوت به دست بگیر و آن را این امانت را بپذیر، سپس در آخر آیه می فرماید: **«و اتیناه حكم…** ما حكم را، نبوت را و این مقامات معنوی را و حاكمیت را در صبابت و كودكی به حضرت یحیی دادیم. این صریح قرآن كریم است كه مقام نبوت را خداوند در كودكی به حضرت یحیی داد كه سنشان از هفت سال هم كمتر بوده، این یك نمونه است كه خود ائمه می فرمودند: گاهی كه اشكال می شد می فرمودند: كه نبوت هم در زمان كودكی به انبیایی مثل حضرت یحیی داده شده.

قضیه حضرت عیسی هم تقریباً همین طور است، اینجا یك خرده صریح تر است ،آنجا هم همین طور است كه باز در حدود دوازده آیه بعد از این آیه در همین سوره مریم اینطور می فرماید: آن اعتراضی كه مردم داشتند به حضرت مریم كه چطور شد شما بچه دار شدی در حالی كه شوهری نداری، زنی پاك و وارسته بودی؟ حضرت مریم **«فاشارت الیه»[[2]](#footnote-2)**  گفت: كه از این كودكی كه در گهواره است و هنوز در سن پایینی است كه دو سال گفته شده یك مقدار كمتر و بیشتر بپرسید، به هر حال از هفت سال سن امام جواد خیلی كمتر بوده، اشاره كرد كه از این كودك در گهواره سئوال كنید تا پاسخ بگیرید. گفتند: **«قالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا»[[3]](#footnote-3)** ما چطور با یك كودكی كه در گهواره خوابیده و در دوره كودكی است و هنوز سخنی نمی تواند بگوید، این سئوال را بكنیم؟ همین كه این سئوال را كردند قرآن اصلاً فاصله هم نیمی اندازد، همین که حضرت مریم گفت: از این كودك سئوال كنید و اینها گفتند: چطور می شود ما از این كودك سئوال كنیم؟ بلافاصله همین كه این حرف را زدند، حضرت عیسی در همان گهواره شروع كرد به سخن گفتن **«قال انی عبدالله آتانی الكتاب وجعلنی نبیاً و جعلنی مباركاً این ما كنت و اوصانی بالصلوة والذكوة ما دمت حیا و برالبوالدتی »[[4]](#footnote-4)** همین كه اینها گفتند كه ما چطور با این صحبت كنیم، حضرت عیسی فرمود كه من بنده خدا هستم، عیسای كودك كه در گهواره خوابیده است سخن گفت، من بنده خدا هستم بالاترین افتخار انسان و انبیاء الهی بندگی خداست و ما هم همین را می گوییم كه **«اشهد انّ محمداً عبده و رسوله»** اول عبودیت پیغمبر و بعد رسالت او، رسالت از طریق عبودیت كامل پیدا می شود. حضرت عیسی هم می فرماید: من بنده خدا هستم، عیسای در گهواره زبان باز كرد و زبان گشود و گفت: من بنده خدا هستم، خداوند به من كتاب داده، مرا پیامبر قرار داده و مرا هر جا كه باشم مبارك قرارداده و خدا مرا توصیه كرده است به نماز و زكات تا زنده ام و خدا مرا سفارش كرده به نیكی به مادر مخصوصاً. نیكی به مادر در این جا به خاطر این است كه ایشان مادر داشتند و پدر نداشتند. **«و براً بوالدتی»[[5]](#footnote-5)** این هم نمونه دیگر است كه خود قرآن كریم در این دو نمونه بسیار مشخص نشان داده كه نبوت هم در دوره كودكی به این پیامبران بزرگ داده شده؛ حتی در سنینی خیلی پایین تر از هفت سال، این از نظر نمونه های قرآنی، البته انبیاء همه در یك سن معینی به مقام رسالت و نبوت نرسیدند، از حضرت یحیی و عیسی بگیرید كه در همین سنین حدود سه سالگی مقام نبوت را دارا بودند تا انبیایی مثل حضرت موسی كه در 40 سالگی به پیامبری رسیدند؛ یعنی سن معینی ندارد و بر اساس مصالح خاص الهی است كه ما دقیقاً به آنها واقف نیستیم. خدا در سن معینی همه پیامبران را به نبوت نمی رساند؛ ولی نمونه دارد كه در سنین كودكی هم كسی به نبوت برسد. این كه از این جهت و جواب واقعی هم این است كه از سن و بلوغ و اینها كه گفته می شود این یك سن غالبی است برای تكالیف معمول مردم و الا آن لطف الهی و استعدادها و زمینه های خدایی ممكن است در خیلی پایین تر از آن هم ظهور پیدا بكند. نمونه اش هم این است كه گاهی می بینیم بچه های حدود سه ساله استعدادهای خارق العاده دارند. اگر اینها برای خدا امكان داشته باشد، نمونه هایش را هم ما دیده ایم كه افرادی كه در حدود چهار سالگی نوابغی هستند كه خیلی چیزها را می فهمند، پس اگر این طور باشد، نمونه هایش كه در قرآن هست و هیچ مشكلی ندارد با آن سفارشها و با آن وصایایی كه از ائمه گذشته رسیده، امام جواد در همان كودكی و هفت سالگی به امامت برسد و ما به این اعتقاد داریم و این هم ادله و شواهدش است و همین ادله هم آمده بر امامت امام زمان.

امامت ایشان بعد از امام رضاست و امام رضا هم كه به شهادت رسیدند ایشان در همان سنین هفت سالگی بود. این از امتیازات امام جواد است كه در سن هفت سالگی كه هیچ كدام دیگر از ائمه معصومین در این سن به امامت نرسیده بودند، البته امام زمان هم در سن پایینی بودند و این خصوصیت در امام جواد (ع) هست كه قبل از آن سن تكلیف آنچنانی، ایشان به امامت رسیده است. این خصوصیتی است كه در این دو امام هست و امام جواد در سن هفت سالگی به امامت رسیده است این از این جهت است.

#### عمر کوتاه امام جواد (ع)

از نظر سنی هم ایشان از 25 سال بیشتر عمر مباركشان بیشتر نبود و در یك سن بسیار جوانی و در سنین جوانی ایشان به شهادت رسیدند كه كمترین سن در میان ائمه معصومین را امام جواد (ع) داشته، سال 195 متولد شده اند و 220 به شهادت رسیده اند. بیست و پنج سال و چند ماه می شود. این هم ویژگی دیگر ایشان است كه جوانترین امام معصوم ما بودند و دوره خلافت و امامت ایشان یك بخشش همان ادامه زمان مأمون بود كه پدر بزرگوارشان را به شهادت رساند و یك قسمتش هم در زمان معتصم بود و معتصم او را به شهادت رساند. این از خصوصیت ایشان است و در وقت شهادت امام رضا هم اباصلت نقل می كند كه چون تجهیز، دفن و كفن هر امامی را امام بعد باید متصدی باشد، با این كه ایشان در مدینه بودند، در خراسان حضور پیدا كردند و حضرت را دفن، كفن و تجهیز كردند كه داستانش مفصل است و شنیده اید. این سن پایین ایشان منشأ شبهات و اشكالاتی می شد که در تاریخ نمونه های خیلی زیادی است و نمونه های متعددی نقل شده كه اصحاب و شیعیان از نقاط و اطراف می آمدند به خدمت ایشان و یك مقدار مشكل بود كه بپذیرند كه در این سن ایشان به امامت رسیده؛ ولی مجالس زیادی هست كه در همان سنین كودكی دور حضرت را می گرفتند و حضرت سئوالات را به بهترین نحو پاسخ می داد و همه هم واقعاً می پذیرفتند كه این نوع جواب دادن و احاطه بر فقه و احكام الهی و معارف الهی واقعاً در حد یك انسان معمولی نیست، این باید وصل به یك عالم دیگری باشد و گاهی هم عبدالله بن موسی كه عمویشان بوده وگاهی مطالبی را می گفته، ایشان بهش اشكال می كرده و حل می كرده اشكالاتش را و سئوالات هم زیاد است. آن قضیه یحیی بن اكثم هست كه آن حسودانی بودند كه علیه حضرت خیلی كار می كردند وتشكیل جلسه ای دادند برای این كه سئوالاتی از حضرت بشود و حضرت محكوم بشود. ایشان در همان سنین كودكی و سنین پایین نوجوانی به بهترین وجه هر مجلسی كه بر پا می شد به سئوالاتی كه در زمینه های اعتقادی و در زمینه های اخلاقی و مخصوصاً در زمینه های فقهی و احكام الهی می شد، پاسخ می دادند و اینها در مقابل آن مقام امامتی كه اهل بیت(ع) دارند، واقعاً چیزی نیست. آن مقام ولایت و امامت اهل بیت ما یك چیزی درباره اش می گوییم، آن نور الهی است كه ما از دور كمی خیلی از دور، چیزی از آن می فهمیم و خیلی مقامات بالاتر از آن است كه حالا این سئوالات را جواب بدهند. اینها گاهی انجام می شد برای این كه زبان ها بسته بشود و حرفهای بیجا كنار برود و الا مقامات آنها خیلی متفاوت بود با آن حدی كه در تاریخ برای ما نقل شده از چیزی هایی كه در زندگی ایشان جلب نظر می كند.

## آشنایی با شخصیت علی بن جعفر

علی بن جعفر برادر امام موسی بن جعفر است كه یك فرد بسیار بزرگ بوده، علی بن جعفر كه سادات زیادی هم در سراسر دنیا و هم در كشور ما در همین منطقه ما سادات زیادی از نسل علی بن جعفر برادر امام موسی بن جعفر هستند. علی بن جعفر از اصحاب امام موسی بن جعفر است تا امام هادی؛ یعنی از صحابه و راویان بزرگی است كه چند امام را درک كرده و در واقع عموی امام جواد (ع) می شود. در عین حال این مرد بسیار پاك و برجسته ای بود و خیلی جالب است، این نمونه اخلاقی و تاریخی بسیار مهم است كه وقتی كه امام جواد(ع) به امامت رسیدند، امام جواد(ع) هفت ساله بودند و كودكی بودند و حضرت علی بن جعفر برادر امام موسی بن جعفر و عموی ایشان سن زیادی داشت و خیلی ها هم مسائل را از او می پرسیدند و به او اعتماد داشتند، در عین حال او می فهمید كه امامت چیز دیگری است و می دانست كه هر چقدر هم بزرگ باشد در عین حال آن مقام امامت و ولایت را او می دانسته که چیست و او می فهمیده كه چیست. علی بن جعفر خیلی مرد بزرگی است و روایات خیلی زیادی را نقل كرده از نظر علمی و درجات معنوی هم خیلی مرد بزرگی بوده. این كه ایشان زمان امام از اصحاب برادرشان بودند كه خیلی روایات را از امام موسی بن جعفر(ع) نقل كردند و بعد از امام رضا (ع) و بعد هم از امام جواد و ظاهراً زمان امام هادی هم مقداری بودند، ایشان با این سن زیادشان تسلیم امام جواد بود، گاهی هم تعظیم می كرد و با احترام تمام با این كودكی كه مقام ولایت داشت برخورد می كرد، گاهی هم مورد اعتراض واقع می شد. باید از علی بن جعفر این عموی بزرگوار امام جواد كه در آن سن زیاد و آخر عمر شریفشان در مقابل امام عصرش این طور تسلیم بود ما هم درس بگیریم و از همین جا بفهمیم كه مقام ولایت و امامت چه مقامی است. این حضرت علی بن جعفر است كه نكته مهمی در زمان امام جواد (ع) از نظر اخلاقی در زندگی ایشان هست و حكیمه هم كه دختر ایشان بود آن هم یك دختر بسیار بزرگواری بود.

### نمونه ای از فرزندان امام جواد (ع)

موسی مبرقع هم فرد بزرگی بود كه در قم مدفون است؛ ولی امام هادی مقام امامت را داشت و وصی امام جواد، امام هادی بودند. در بین دخترهایشان حكیمه زن بسیار برجسته ای بود، مورخین فرموده اند: دو تا حكیمه داریم؛ یك حكیمه ای است كه دختر امام موسی بن جعفر است، آن هم زن بزرگی بود كه عمه امام جواد می شود؛ یك حكیمه دیگری است كه دختر امام جواد هست كه می شود عمه ائمه بعدی و این حكیمه است كه در موقع تولد امام زمان قابله حضرت نرگس خاتون بود. در مورد این حكیمه روایاتی كه در كتب تاریخی مثل بحار و جاهای دیگر آمده و مرحوم علامه مجلسی بعضی اش را نقل كرده در كتابهای تاریخی هم هست حكیمه دختر امام جواد بین دخترها برجسته تر بود و از نظر علمی هم شخصیت بزرگی بود، هم از نظر علمی، هم از نظر تقوایی مقام والایی داشت؛ حتی در بعضی از جاها من دیدم كه حكیمه سفیری برای امام زمان (عج) در زمان غیبتشان بوده، البته آن نواب اربعه كه جای خودشان را دارند، حكیمه هم این مقام را داشت. ما در تاریخ اسلام زنهای بزرگ زیاد داریم كه از نظر علمی و درجات معنوی واقعاً چیزی را از مردها كم نمی آوردند و از بسیاری از روات و... بالاتر هم بودند. یكی از آن زنهای بسیار برجسته، نمونه، عالم، دانشمند و با تقوا، حكیمه دختر امام جواد است كه به چند امام خدمت كرده و طبق بعضی از نقلها از سفیران امام زمان(عج) بوده و دختر بزرگوار امام جواد است و آن فرزند بزرگوارشان هم امام هادی (ع) هستند كه مقام ولایت را بعد از ایشان متصدی بودند و همان طور كه می دانیم و طبق نقلهایی كه برای ما شده، ائمه ما همه به شهادت رسیدند و امام جواد هم همین طور.

## روضه

«السلام علیك یا محمد بن علی» سلام و درود خدا بر تو ای امام نهم، ای امامی كه در سنین جوانی با مظلومیت به شهادت رسیدی. طبق بعضی از نقلها و نقلهای زیادی واسطه، وسیله دستور دهنده شهادت، خلیفه وقت معتصم بود و عاملش هم زن خود حضرت بود، مثل امام حسن كه زنش او را مسموم كرد. ام فضل دختر مأمون زنی بود كه طبق نقلها ایشان را به شهادت رساند. پدرش امام رضا را به شهادت رساند و این دختر هم او را به شهادت رساند. حالا ام فضل دختر مأمون را ببینید و حكیمه دختر امام جواد را ببینید كه فاصله از كجا تا كجاست! ایشان به دست خانمش در خانه مانند جد بزرگوارش امام حسن(ع) به شهادت رسید؛ منتها در سنی خیلی جوانتر از عموی بزرگوارشان امام حسن مجتبی (ع) به شهادت رسیدند. امام باید عرض بكنیم: ای امام نهم! ای امام جواد! سلام و درود خدا بر تو كه در جوانی با سم به شهادت رسیدی؛ اما دلها بسوزد برای فرزند جد بزرگوارت علی اكبر(ع) او هم در جوانی به شهادت رسید، امام چگونه در صحرای كربلا و در غربت تمام در حالی كه گرداگرد او را دشمن گرفته بود، شمشیری بر فرق مباركش فرود آمد و از اسب به زمین افتاد.

**«لا حول ولا قوه الا بالله العلی العظیم بسم الله الرحمن الرحیم انااعطیناك الكوثر فصل لربک و انحر انّ شانئک هو الابتر»[[6]](#footnote-6)**

خطبه دوم

**اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم، نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا العبد المؤید و الرسول المسدد المصطفی الأمجد ابی‌القاسم محمد (ص) و علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر (عج)، حججک علی عبادک و أمنائک فی بلادک، ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمان و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین. اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ»[[7]](#footnote-7)عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

همه شما خواهران و برادران گرامی و خودم را به تقوای خداوند و ذكر و یاد همیشگی خداوند سفارش و دعوت می كنم. خداوندا! همه ما را از بندگان مقرب درگاه خودت و خالصان درگاه خودت قرار بده. ابتدا شهادت امام جواد (ع) را به حضور شما امت پیرو آن امام بزرگوار و فرزند گرامیشان حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا له الفداء تسلیت عرض می كنم، هم چنین روز سه شنبه 12 اردیبهشت، روز شهادت مرحوم شهید مطهری است شهادت این عالم فرزانه و مجاهد بزرگ حضرت آیت الله علامه شهید مطهری را تسلیت عرض می كنم.

## مقام معلم

در همان ایام هفته بزرگداشت مقام معلم را داریم كه این هفته را به همه معلمان و مربیان و دست اندركاران تعلیم و تربیت كشور تبریك و تهنیت عرض می كنم. مرحوم شهید مطهری در بین علمای ما و دانشمندان ما شخصیت نمونه ای بود كه توجه به آن شخصیت و الهام گرفتن از آن شخصیت برای ما لازم و ارزشمند است و مخصوصاً برای نسل جوان ما شناختن این شخصیتها ضروری است. مرحوم شهید مطهری در رشته های مختلف علوم اسلامی به مقام بلند اجتهاد و صاحب نظری رسیده بود و از نوابغی هستند كه در برابر همه این شبهه ها و هجوم هایی كه به فرهنگ اسلام و تفكر اسلامی در آن زمان می‌شد، ایشان سینه را سپر كرده بود و در دانشگاه آن روز و در بسیاری از محیط های روشنفكری آن زمان مرحوم شهید مطهری مدافع راستین اسلام بود و شخصیتی بود كه هم پاسخگوی سئوالات نسل جوان و دانشگاهی ها بود و هم مثل سدی در برابر آن كسانی كه در قلبشان مرض بود، ایستاده بود و با یك درایتی بسیار عجیب و با تحمل فوق العاده و با سعه صدر كم نظیر ایشان در آن زمان كه زمان سختی هم بود از یك طرف ماركسیسم و تفكر الحادی كمونیستی در دانشگاههای ما حضور داشت. آن وقت كه مرحوم علامه طباطبایی و مرحوم شهید مطهری این دو عالم بزرگ، این استاد و این شاگرد در برابر تفكر الحادی و ضد دینی كمونیستها و ماركسیستها مقاومت می كردند، از آن طرف هم روشنفكرهای غرب زده وابسته به غرب و از طرف دیگر هم رژیم شاهنشاهی بود.

## معرفی شهید مطهری

مرحوم شهید مطهری آن زمانی كه در حدود سن 33 و 34 سالگی ایشان به عنوان وظیفه حوزه قم را ترك كرد و پرچم دفاع از اسلام را بر دوش گرفت و وارد فضای فرهنگی و علمی دانشگاه آن زمان شد و شخصیت ایشان در میان علمای حوزه، یك شخصیت نادری بوده و ایشان وقتی كه وارد دانشگاه و فضای تهران شدند، جو اختناق آن زمان و فشارهایی كه از یك طرف رژیم بر ایشان وارد می كرد كه اسناد پرونده ایشان یك پرونده قطوری است كه در ساواك جمع آوری شده، مقداری اش هم منتشر شد كه نشان می دهد كه چقدر رژیم و دستگاههای ضد دین از این عالم بزرگ می ترسیدند و واقعاً علما اینطور هستند كه روایت می فرماید: **«مداد العلماء افضل من دماء الشهداء»[[8]](#footnote-8)**  مداد مطهری ها و علامه طباطبایی ها و امامها و شخصیت های اینطوری واقعاً شهید پرور است و فرهنگ ساز است، دین و ایمان مردم را حفظ می كند. سخن عالمان دینی و عالمان وارسته و قلم آنها و خامه و مداد آنها وسیله و ضامن حفظ دین مردم است و اعتلای معنویت و فرهنگ جامعه است و برای همین هم هست كه **مداد العلماء افضل من دماء الشهداء** و واقعاً از نمونه های قطعی این قضیه در عصر ما مرحوم شهید مطهری بود. از یك طرف فشار رژیم روی ایشان بود؛ چون مثل ایشان، مرحوم بهشتی و مقام معظم رهبری، جناب آقای هاشمی و شخصیت های بزرگی كه گروهی از آن ها به شهادت رسیدند، گروهی از آن ها هم هنوز در حیات هستند كه خداوند آنها را رحمت بكند و اینها را حفظ بكند، این افراد مجموعه ای بودند كه رژیم می دانست كه دور امام هستند و فداكاری در راه امام خواهند كرد. رژیم روی اینها فشار داشت، ملی گراها و روشنفكرهای وابسته به غرب با اینها مقابله می كردند و فكر ماركسیستی و ضد الهی آن وقت هم در مقابل این ها بودند، التقاطی ها و منحرفین از صراط مستقیم الهی هم مقابل اینها بودند. در یك جوی كه از چهار سو و از شش جهت در محاصره بود، ایشان و علمای بزرگ آن وقت مقابله كردند، كتاب نوشتند، سخنرانی كردند و جوانهای مسلمان را در دانشگاه از شر این وسوسه ها نجات دادند كه نقش بسیار بزرگی مرحوم مطهری داشت و منحرفین هم خوب تشخیص دادند. ایشان از اولین شهدای پس از انقلاب است كه 12 اردیبهشت 58 ایشان ترور شد و خدا می خواست كه این عالم هم مدال آنها را داشته باشد، هم آن مقامات علمی والا و دفاع از اسلام را داشت و عاقبت خونش را هم در راه اسلام داد، ایشان عالم بزرگی بود که امام خیلی روی ایشان تأكید داشتند. آن بزرگی ایشان، علم ایشان، تواضع ایشان، دست به قلم بودن ایشان، هر جایی كه به اسلام هجوم می شد، دست می زد به قلم و از اسلام عزیز دفاع می كرد، جوانها را در دانشگاه از شر این وسوسه ها نجات می داد، این شخصیت بسیار بزرگی است كه در چنین روزی جامعه ما او را از دست داد و دشمن ها او را از ما گرفتند و امام فرمودند: همه كتابهای مرحوم مطهری قابل مطالعه و اعتماد است. امروز هم جوان های ما باید بگردند علمای راستین، انسانهای باسواد و متفكری كه هم عمیق اند و هم آگاه به زمانه اند را پیدا بكنند و از آنها الهام بگیرند. كسانی مثل مرحوم مطهری و كسانی كه در راه مرحوم مطهری اند. مرحوم مطهری از یك طرف با آن تحجرها و خشك مقدسی ها و آن كج فهمی هایی كه گاهی بین روحانیت بوده و در حوزه هم بوده بایست مقابله بكند، مثل این كه خود امام هم مقابله می كردند با متحجرین و افرادی كه اعتقاد به اسلام جهاد و شهادت نداشتند و بسته فكر می كردند، از آن طرف هم با آن موج های روشنفكری غربی در دانشگاه. به هر حال یك انسان نمونه ای كه از هر جهت مدافع اسلام بود، ما مقام والای او را گرامی می داریم و از خدا می خواهیم كه نسل جوان ما را آشنای با مطهری و راه مطهری و ادامه دهنده راه آن بزرگوار قرار بدهد.

نكته بعد هم به مناسبت شهادت ایشان هفته معلم اعلام شد كه هر ساله این هفته به عنوان بزرگداشت مقام معلم برگزار می شود. من هم در اینجا لازم است كه از همه معلمان و مربیان تقدیر و تشكر بكنم و از همه كسانی كه دست اندركار تعلیم و تربیت هست، اساتید و معلمین و كسانی كه در آموزش و پرورش، در حوزه، در دانشگاه و در جاهای مختلف متعهدانه نسل آینده را تربیت می كنند، باید تشكر كرد و این را هم بدانیم مقام معلم مقام بالایی است و نكته ای هم كه من به همین مناسبت لازم است عرض بكنم این است كه خود معلمین و مربیان و اساتید هم ارزش مقام خودشان را حفظ بكنند و احساس بكنند كه چه بار سنگینی بر دوش آنها گذاشته شده.

## پیام هفته معلم

هفته معلم پیام دارد، پیامش هم برای معلمین و دست اندكاران تعلیم و تربیت پیام خون مطهری و هفته معلم این است كه معلمی كار سختی است، معلمی عشق می خواهد، معلمی فداكاری می خواهد، معلمی اخلاص می خواهد و باید عاشقانه و مخلصانه به كار آموزش فرزندان این ملت و آینده سازان كشور پرداخت. آنهایی كه در آموزش و پرورشند، در دانشگاهها و حوزه ها هستند باید بدانند كه وظیفه شان این است كه نسل پاكی را برای آینده تربیت بكنند. پیام هفته معلم و شهادت مطهری این است كه شما مثل مطهری باشید، مثل شهید رجایی باشید، مثل شهید باهنر باشید، این چهره هایی كه حیات خودشان را و راحتی و آسایش خودشان را برای تربیت جامعه و نسل آینده مصرف كردند، این پیام به معلمین و مربیان است و پیام این هفته به متعلمین و دانش آموزان و دانشجویان هم این است كه باید كار كرد، باید دنبال تحقیق بود، نباید جامعه ما طوری باشد كه ما فقط دنبال مدرك باشیم، دنبال شغل فقط باشیم، دنبال مسائل مادی باشیم و فقط برای اینها درس بخوانیم. درس و علم برای پیشرفت كشور، برای توسعه كشور و برای ترقی خود فرد لازم است ،علم نباید با مدرك یكی بشود، مدرك جای خودش اما؛ اصل این است كه علم پیدا بشود، بچه های ما در دبستان و راهنمایی و دبیرستان و دانشگاه باید طوری كار كنند كه دانشمند بشوند و به آن مقامات بالای علمی برسند، حوزه های دینی هم همین طور است، طلاب ما در این هفته باید توجه به این داشته باشند كه باید خود را بسیج بكنند و متوجه این باشند كه جامعه در همه رشته ها نیاز به عالم و چیز فهم دارد. دنیای امروز دنیایی نیست كه طلبه ما، روحانی ما، دانشجوی ما و افراد دیگر با بی سوادی زندگی كنند، باید اهل علم، سواد و كمال بود همراه با معنویت و اخلاق و ما ضمن بزرگداشت شهادت شهید مطهری و هفته معلم پیامی را كه باید از این هفته بگیریم این است كه خودمان را بسیج كنیم و تجهیز كنیم برای پیشرفت علمی، اخلاقی و معنوی خودمان، البته در این هفته تجلیل از معلمین اصول و رسم خوبی است. احترام به آنها و توجه به كار آنها خود اولیاء و كسانی كه بچه هایشان را به مدارس می فرستند باید ارتباط داشته باشند و به معلمین احترام بگذارند و مقام معلمی اگر با آن معیارهای الهی باشد، مقامی نیست كه با این مسائل مادی بشود حسابش كرد و اگر هم نباشد، چیز خطرناكی است، اگر با اخلاص باشد، اگر برای خدا و پیشرفت كشور و معنویت باشد مقام معلمی از هر چیزی بالاتر است و اگر هم خدای ناكرده همراه با انحراف و وسوسه و حرف بیجا زدن و به انحراف كشاندن بچه ها باشد، آن هم بدترین چیزهاست. انشاءالله كه خداوند به همه ما توفیق بدهد كه با وظایفمان آشنا بشویم و عمل به وظایفمان كنیم انشاءالله.

برای شفای همه مریضان اسلام، مریضان مورد نظر و من اینجا لازم است كه چهلم مرحوم یادگار گرامی حضرت امام حاج احمد آقای خمینی هم بود یاد ایشان را گرامی می داریم و برای آمرزش اموات و شهداء و به خصوص امام بزرگوارمان و یادگار گرامی او و شفای همه مریضان و رفع گرفتاری ها و نزول بركات الهی پنج مرتبه باهم آیه شریفه «امن یجیب»را می خوانیم.

**«بسم الله الرحمن الرحیم امن یجیب المضطر اذا دعاء ویكشف السوء»[[9]](#footnote-9)**

## دعا

«نسئلک اللهم وندعوک بسمک العظیم الاعظم الاعز الاجلّ الاکرم یا الله، اللهم انصرالاسلام واهله واخذل الکفر واهله»

خدایا! گرفتاری های مسلمین را مرتفع بفرما، شر دشمنان اسلام را به خودشان باز بگردان، اموات و گذشتگان و خویشان وكسانی كه از ما و از خانواده های همه نماز گزاران بودند و مرحوم شدند، خدایا! آنها را ببخش و بیامرز، خدایا! امام بزرگوار یادگار گرامی او مقام عالی شهدای ما را والاتر و عالی تر بفرما، خدایا! به ما توفیق ادامه راه شهدا و امام عزیزمان عنایت بفرما، خدایا! مریضها را جانبازان عزیز را شفا عنایت بفرما، خداوندا! شر دشمنان اسلام آمریكای جنایتكار و اسرائیل را به خودشان باز بگردان، خدمتگزاران به اسلام به ویژه مقام معظم رهبری را محافظت بفرما، خدایا! از در می خواهیم به همه ما توفیق معرفت خودت محبت خودت و اطاعت خودت عنایت بفرما، خدایا! باران رحمت و بركتت را برما فرو فرستادی، خدایا! سپاسگذاریم باز هم رحمت و بركات مادی و معنوی ات را برما فرو بفرست، خدایا! ما را قدر دان نعمتهای خوت قرار بده، سلامهای خالصانه این جمع نماز گزار را به محضر مولایمان حضرت بقیه الله الاعظم و حضرت امام جواد (ع) ابلاغ بفرما، در فرج امام زمان تعجیل بفرما.

**«بسم الله الرحمن الرحیم قل هوالله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد»[[10]](#footnote-10)**

1. . مريم، آیه 12 [↑](#footnote-ref-1)
2. . مريم، **آیه** 29 [↑](#footnote-ref-2)
3. . همان [↑](#footnote-ref-3)
4. . مریم، آیات30-32 [↑](#footnote-ref-4)
5. . همان [↑](#footnote-ref-5)
6. . قرآن کریم، سوره کوثر [↑](#footnote-ref-6)
7. سوره آل‌عمران، آیه 102. [↑](#footnote-ref-7)
8. . ترجمه من لا يحضره الفقيه، ج‏6، ص: 345 [↑](#footnote-ref-8)
9. . النمل، **آیه** 62 [↑](#footnote-ref-9)
10. . قرآن کریم، سوره توحید [↑](#footnote-ref-10)